



بالاترین ارزشها در پرتو تبلیغ

محمد حسن نبوی

برگزیده‌اند.

امروز عالمان دین از سویی باید دین را به خوبی بشناسند و از سوی دیگر، در ترویج آن بکوشند.

برخی بر این باورند که باید عالم باشند و استفاده از علم و دانش آنان، وظیفه مردم است و هیچ تکلیفی برای نشر معارف ندارند؛ اما در روایات، حرکت و تلاش جهت بیان و تبیین دین برای مردم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

در روایات معصومین علیهم‌السلام، بیان

از آنجا که آدمی موجودی ممتاز با ویژگیهایی خاص در گردونه هستی است و می‌تواند از حیوان پست‌تر و یا از ملک برتر گردد، در حقیقت بعد انسانی و معنوی او مهمترین جایگاه او به شمار می‌رود.

همه پیامبران الهی برای حرکت انسان به سوی جایگاه ارزشمند معنوی او می‌کوشیدند، و کسانی که در این راه گام نهند، بی‌تردید در مسیر انبیاء و رسولان خواهند بود؛ راهی که بهترین انسانهای روی زمین

پیامبر اسلام ﷺ می فرماید:

«أَزْيَعُ يَلْزَمَنَّ كُلَّ ذِي حِجْيٍ وَ عَقْلٍ مِنْ أُمَّتِي فَيْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هُنَّ قَالَ اسْتِمَاعُ الْعِلْمِ وَ حِفْظُهُ وَ نَشْرُهُ عِنْدَ أَهْلِهِ وَ الْعَمَلُ بِهِ؛^۱ چهار چیز همواره با هر دانای عاقلی از امت من همراه است. سؤال شد: ای رسول خدا! آن چهار چیز کدام است؟ حضرت فرمودند: شنیدن علم، حفظ نمودن آن، بیان آن برای اهل اش و عمل به آن.»

جایگاه هدایت کافران

از بین همه فعالیت‌های تبلیغی، هدایت افراد گمراه و کافر به دین مبین اسلام از اهمیت بیشتری برخوردار می باشد. امیرالمؤمنین علی عليه السلام فرمودند:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ لِي يَوْمَ الْخَبِيرِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ؛^۳ همانا پیامبر ﷺ در

معارف دینی تکلیف عالمان قلمداد گردیده است. امیرالمؤمنین علی عليه السلام می فرماید: «مَا أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقًا مِنْ أَهْلِ الْجَهْلِ يَطْلُبُ بَيِّنَاتِ الْعِلْمِ حَتَّى أَخَذَ مِيثَاقًا مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ بَيِّنَاتِ الْعِلْمِ لِلْجَهَالِ لِأَنَّ الْعِلْمَ قَبْلَ الْجَهْلِ؛^۱

خداوند قبل از آنکه از نادانان در دریافت علم عهد [و پیمان] گیرد، از اهل علم در بیان علم برای نادانها پیمان گرفت؛ زیرا علم قبل از نادانی است.»

از این روایت به خوبی معلوم می شود که ابتدا عالمان موظف اند علم خود را بیان کنند و بعد از آن، نادانها مکلف به یادگیری هستند.

لازم به ذکر است که دانستن معارف و احکام الهی منحصر به روحانیون نیست؛ بلکه هر کس مطالبی از دین بداند و افرادی نسبت به آن آگاهی نداشته باشند، باید آگاهیهای خود را به آنان بیاموزد. بدیهی است روحانیون به دلیل علم بیشتر، تکلیف گسترده تری دارند.

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۳.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۶۸.

۳. همان، ج ۳۲، ص ۴۴۷.

ارزشمندی برخوردار است، از این رو بسیار شایسته است که طلاب و روحانیون با علوم و دانشهایی خود را همراه سازند که بتوانند چنین امر خطیر و ارزشمندی را به عهده گیرند. پرداختن به تحصیل این علوم نیز از اجر و پاداش ویژه‌ای برخوردار است.

علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمودند:

«مَنْ خَرَجَ يَطْلُبُ أَبَا مِنْ عِلْمٍ لِيَرِدَ بِهِ بَاطِلًا إِلَى حَتَّى أَوْ ضَلَالَةً إِلَى هُدًى كَانَ عَمَلُهُ ذَلِكَ كَعِبَادَةِ مُتَعَبِّدٍ أُرْبَعِينَ عَامًا؛^۱ کسی که در پی یافتن دری از علم بیرون رود به هدف آنکه باطلی را به سوی حق کشاند، یا گمراهی را به هدایت وارد کند، این عمل مانند چهل سال عبادت عابد می‌باشد.»

چه زیباست که مبلغان با این نیتات به تحصیل علم بپردازند و هدفمند تلاش کنند که هم نتیجه بخش تر است

روز خیر به من فرمودند: اگر خداوند یک نفر را به وسیله تو هدایت کند، برایت بهتر از هر چیزی است که خورشید بر آن می‌تابد.»

امام هادی علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام و آنان از علی علیه السلام نقل می‌کنند که حضرت فرمودند:

«لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ علیه السلام قَالَ مُوسَى إِلَهِي مَا جَزَاءُ مَنْ دَعَا نَفْسًا كَافِرَةً إِلَيَّ الْإِسْلَامَ قَالَ يَا مُوسَى أَذْنُ لَه فِي الشَّفَاعَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِمَنْ يُرِيدُ؛^۱ هنگامی که خداوند با حضرت موسی ابن عمران علیه السلام سخن گفت، آن حضرت پرسید: خداوند! پاداش کسی که فرد کافری را به اسلام دعوت کند چیست؟ پاسخ آمد: ای موسی! در قیامت به او اجازه می‌دهم که شفاعت هر کس را خواست انجام دهد.»

تحصیل برای هدایت

از روایات قبل به خوبی فهمیده می‌شود که تبلیغ برای هدایت انسانها به اسلام و راه حق از جایگاه بسیار

۱. همان، ج ۲، ص ۱۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۸۱.

و هم هر بابی از آن، اجری بسیار؛ به اندازه عبادت چهل سال دارد.

تقویت فرهنگی شیعیان

پس از پیامبر ﷺ، عده‌ای در مقابل اهل بیت عصمت و طهارت ایستاده و در انحراف و گمراهی مردم کوشیدند؛ تا آنجا که در زمان یزید، توهین و صبّ به امیرالمؤمنین علی علیه السلام در سخنرانیهای آنان به صورت رویه‌ای مستمر در آمد. این حرکت همواره در طول تاریخ ادامه یافته و معاندان، برای گمراه کردن شیعیان و دور کردن آنان از اهل بیت علیهم السلام تلاش بی وقفه داشته‌اند.

ائمه اطهار علیهم السلام به پیاران و دوستانشان تقویت علمی و فرهنگی شیعیان را سفارش می‌نمودند، و امروز این تکلیف بر دوش علماء شیعه می‌باشد.

امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَعَانَ مُجِبًّا لَنَا عَلَى عَدُوِّ لَنَا فَمَوَّاهٌ وَ سَجَعُهُ حَتَّى يُخْرِجَ الْحَقَّ الدَّلَّ عَلَى

فَضْلِنَا بِأَحْسَنِ صُورَتِهِ وَ يُخْرِجَ الْبَاطِلَ الَّذِي يَزُومُ بِهِ أَغْدَاؤُنَا وَ دَفَعَ حَقَّنَا فِي أَفْسَحِ صُورَةٍ حَتَّى يُنَبِّئَ الْغَافِلِينَ وَ يَسْتَبْصِرَ الْمُتَعَلِّمُونَ وَ يَزِدَادَ فِي بَصَائِرِهِمُ الْعَالِمُونَ بَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَعْلَى مَنَازِلِ الْجَنَانِ وَ يَقُولُ يَا عَبْدِي الْكَاسِرَ لِأَعْدَائِي النَّاصِرَ لِأَوْلِيَائِي الْمُصْرِّحَ بِتَفْضِيلِ مُحَمَّدٍ خَيْرِ أَنْبِيَائِي وَ بِتَشْرِيفِ عَلِيِّ أَفْضَلِ أَوْلِيَائِي وَ يُنَاوِي مَنْ نَاوَاهُمَا وَ يُسَمِّي بِأَسْمَائِهِمَا وَ أَسْمَاءِ خُلَفَائِهِمَا وَ يُلَقَّبُ بِأَلْقَابِهِمْ فَيَقُولُ ذَلِكَ وَ يُبَلِّغُ اللَّهُ جَمِيعَ أَهْلِ الْعَرَضَاتِ فَلَا يَتَّقِي كَافِرٌ وَ لَا جَبَّارٌ وَ لَا شَيْطَانٌ إِلَّا صَلَّى عَلَيَّ هَذَا الْكَاسِرَ لِأَعْدَائِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ لَعَنَ الَّذِينَ كَانُوا يُنَاصِبُونَهُ فِي الدُّنْيَا مِنَ التَّوَابِغِ لِمُحَمَّدٍ وَ عَلَيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا؛^۱ کسی که به دوست ما در مقابل دشمن کمک کند و او را تقویت کرده و تحریک کند تا حقی را که دلالت بر فضیلت ما دارد به بهترین شکل معلوم کند و باطلی را معلوم کند که دشمنان ما آن را می‌خواهند، و حق ما را در بدترین شکل نفی می‌کنند، تا

۱. همان، ج ۲، ص ۱۰.

مجتبی علیه السلام نقل شده است که به مردی که برایشان هدیه‌ای آورده بود فرمودند: «أَيُّمَا أَحَبَّ إِلَيْكَ أَنْ أُرَدَّ عَلَيْكَ بِدَلَّهَا عِشْرِينَ ضِعْفًا عِشْرِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ أَوْ أُنْتَحَ لَكَ بَابًا مِنَ الْعِلْمِ تَفْهَرُ فُلَانُ النَّاصِبِيِّ فِي قَرَيْتِكَ تُنْقِذُ بِهِ ضِعْفَاءَ أَهْلِ قَرَيْتِكَ إِنْ أَحْسَنْتَ الْإِخْتِيَارَ جَمَعْتُ لَكَ الْأَمْرَيْنِ وَإِنْ أَسَأْتَ الْإِخْتِيَارَ خَيْرُكَ لِيَأْخُذَ بِهِمَا سِئْتٌ فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَتَوَابِي فِي قَهْرِي ذَلِكَ النَّاصِبِ وَاسْتِنْفَازِي لِأَوْلِيكَ الضُّعْفَاءِ مِنْ يَدِهِ قَدْرُهُ عِشْرُونَ أَلْفَ دِرْهَمٍ قَالَ بَلْ أَكْثَرُ مِنَ الدُّنْيَا عِشْرِينَ أَلْفَ أَلْفَ مَرَّةٍ فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَكَيْفَ أَخْتَارُ الْأَدْوَانَ بَلْ أَخْتَارُ الْأَفْضَلَ الْكَلِمَةَ الَّتِي أَفْهَرُ بِهَا عَدُوَّ اللَّهِ وَأَذُوْدُهُ عَنِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ فَقَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام قَدْ أَحْسَنْتَ الْإِخْتِيَارَ وَعَلِمَهُ الْكَلِمَةَ وَأَعْطَاهُ عِشْرِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ فَذَهَبَ فَأَفْحَمَ الرَّجُلَ فَأَتَّصَلَ خَيْرُهُ بِهِ فَقَالَ لَهُ إِذْ حَضَرَهُ يَا عَبْدَ اللَّهِ مَا رِيحَ أَحَدٍ مِثْلَ رِيحِكَ وَ لَأِ كُنْتُ أَحَدًا مِنَ الْأَوْدَاءِ مَا كُنْتُ سِئْتِ الْكُتُبِ مَوَدَّةَ اللَّهِ أَوْلًا وَمَوَدَّةَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَعَلِيٍّ ذَانِيًا وَمَوَدَّةَ الطَّيِّبِينَ مِنْ آلِهِمَا نَالِيًا وَمَوَدَّةَ مَلَائِكَةِ اللَّهِ رَابِعًا وَمَوَدَّةَ إِخْوَانِكَ الْمُؤْمِنِينَ خَامِسًا

اینکه غافلان را آگاه سازد و علم آموزان بینا شوند و بر بیشش عالمان افزوده گردد، در روز قیامت، خداوند او را در والاترین منازل بهشت برمی‌انگیزد و می‌فرماید: ای بنده من که شکننده دشمنانم و یاور دوستانم بوده، به فضیلت محمد صلى الله عليه وآله که برترین پیامبرانم است و شرافت علی علیه السلام که با فضیلت‌ترین دوستانم می‌باشد تصریح کردی! [بنده‌ای که] دشمنی می‌کند با کسی که با آنان دشمنی کند و به نام آنها و نام جانشینان آنها نامیده می‌شود و به لقبهای آنان لقب می‌گیرد. پس این جمله را خداوند می‌گوید و به همه اهل عرصات می‌رساند، پس هیچ کافر و ظالم و شیطانی باقی نمی‌ماند، مگر آنکه به این فرد شکننده دشمنان محمد صلى الله عليه وآله درود می‌فرستد و کسانی که به پیامبر در دنیا دشنام می‌دادند - از دشنام دهندگان به پیامبر و علی علیه السلام - لعن می‌کند.»

در روایت دیگری از امام حسن

فَاكْتَسَبْتَ بَعْدَ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَكَافِرٍ مَا هُوَ اَفْضَلُ مِنَ الدُّنْيَا اَلْفَ مَرَّةً فَهَيِّئْ لَكَ هَيِّئًا^۱ آیا به جای هدیه، بیست برابر آن که بیست هزار درهم است بدهم و یا بابی از علم به سویت بگشایم که فلان ناصبی در روستایتان را شکست دهی و ضعیفان شیعه محل خود را نجات بخشی، کدام یک را بیشتر دوست داری؟ اگر خوب انتخاب کردی هر دو را به تو می دهم؛ اما اگر بد انتخاب کردی تو را بین این دو مختیر می کنم که هر کدام را خواهستی انتخاب کنی.

پاسخ داد: ای پسر رسول خدا! پاداش من در شکست ناصبی و نجات ضعیفاء شیعه از دست او، آیا به اندازه بیست هزار درهم می ارزد؟ حضرت فرمود: بلکه بیشتر از دنیا [به اندازه] بیست میلیون مرتبه. گفت: ای فرزند رسول خدا ﷺ! پس چگونه آنکه کم ارزش تر است را انتخاب کنم، بلکه آنکه با فضیلت تر است را انتخاب می کنم که با او دشمن خدا را مغلوب

کنم و از دوستان خدا دفاع کنم.

امام حسن بن علی علیه السلام فرمودند: درست انتخاب کردی و به او آن برهان را آموختند و بیست هزار درهم به او بخشیدند.

او رفت و آن مرد را با دلیل مجاب کرد، سپس خبر این قضایا به حضرت علیه السلام رسید، آن حضرت هنگامی که آن مرد به ملاقات ایشان آمد فرمودند:

ای بنده خدا! هیچ کس مانند تو سود نکرد و هیچ کس از دوستان مانند تو درآمد نداشت.

تو در مرتبه اول، دوستی خدا و در مرحله دوم، دوستی پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و در مرتبه سوم، دوستی اهل بیت پاکشان را و در مرتبه چهارم، دوستی ملائکه خداوند را و در مرتبه پنجم، دوستی مؤمنین را به دست آوردی، پس از آن به اندازه هر مؤمن و کافر چیزی کسب کردی که آن چیز از

۱. همان، ج ۲، ص ۸.

اگر خواست به خاطر حق او حاضرم
در مورد دیه خون پدرم با او مصالحه
کنم و از او می‌گذرم.

علی ابن الحسین علیه السلام فرمودند:
حق او بر تو چیست؟

او پاسخ داد که: او به من توحید و
نبوت محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامت
علی و ائمه علیهم السلام را تلقین کرد. امام علی
بن الحسین علیه السلام فرمودند: خون پدرت
به اندازه این تلقین نیست، بلکه به
خداوند سوگند! این ارزش خون همه
اهل زمین را دارد؛ از اولین تا آخرین،
غیر از انبیاء و ائمه علیهم السلام که فقط اگر این
بزرگواران کشته شوند، چیزی ارزش
دیه خون آنان را ندارد. او پاسخ داد:
آری.

امام علی ابن الحسین علیه السلام به قاتل
فرمودند: آیا ثواب تلقین شهادت به
این فرد را برای من قرار می‌دهی تا دیه
تو را پردازم و از مرگ نجات یابی؟
گفت: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله! من به
این نیازمندم و تو از آن بی‌نیاز. هر آینه

دنیا هزار مرتبه ارزشمندتر است؛ پس
گواریت باد، گوارا!»

در اینجا روایت بسیار زیبای
دیگری نقل شده است. امام حسن
عسکری علیه السلام نقل می‌کنند: «مردی،
شخصی را نزد امام زین العابدین علیه السلام
آورد که گمان می‌کرد او قاتل پدرش
می‌باشد. آن مرد به قتل اعتراف کرد و
قصاص بر او واجب گشت. از او
خواست که وی را ببخشد، تا خداوند
ثواب زیاد به او عطا کند و گویا خود
ولی دم نیز از قصاص خوشش
نمی‌آمد.

امام علیه السلام به شاکی - که ولی دم بود -
و توان قصاص داشت، فرمودند: اگر تو
در این مرد فضیلتی سراغ داری،
جنایت او را ببخش و از گناه او در گذر.
او گفت: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله! او بر
من حقی دارد، لیکن به حدی نمی‌رسد
که کشتن پدرم را ببخشم. حضرت
فرمودند: پس چه تصمیم داری؟ او
گفت: اراده کرده‌ام قصاص کنم، پس

هم حدیثی از فضیلت رسول خدا برای شما دو نفر نقل می‌کنم که برای تو بهتر از دنیا و هر آنچه در اوست می‌باشد و یا اینکه از عفو خودداری می‌کنی تا اینکه دیه را به تو ببخشم تا با او مصالحه کنی و حدیث را فقط برای او می‌گویم. پس آنچه از دست می‌دهی از این جهت بهتر از دنیا و آنچه در اوست می‌باشد، اگر با آن روایت عبرت گیری. جوان گفت: ای پسر رسول خدا! از او گذشتم؛ بدون دیه و هر چیز دیگر؛ فقط به خاطر خدا و آنچه شما در مورد او خواستید، پس ای فرزند رسول خدا، حدیث را برایمان بیان فرما...»^۱

۱. همان، ج ۲، ص ۱۲.

وقال أبو محمد الحسن العسكري عليه السلام إن رجلاً جاء إلى علي بن الحسين عليهما السلام برجل يزعم أنه قاتل أبيه فاعترف فأوجب عليه الفضاص و سأله أن يعفو عنه ليغنيهم الله ثوابه فكان نفسه لم تطيب بذلك فقال علي بن الحسين عليه السلام للمدعي اللهم الولي المستحق ليفضاص إن كنت تذكر لهذا الرجل علياً فضلاً فهب له هذه الجنابة و اغفر له هذا الذنب قال يا ابن رسول الله له علي حن و لكن لم يبلغ أن أعفو عن قتل و ابدي قال فتريد ما ذا قال أريد القود فإن أراة يحقه علي أن أصالحه على الدية صالحته و عفوته عنه فقال علي بن الحسين عليهما السلام فما ذا حقه عليك قال يا ابن رسول الله لئن توجيد الله و ثبوة محمد

گناهان من بزرگ است و گناه من نسبت به این مقتول بین من و اوست، نه بین من و این ولی دم.

حضرت فرمودند: پس تسلیم مرگ شدن را بیش از گذشتن از این تلقین دوست داری؟ گفت: آری، ای پسر رسول خدا صلى الله عليه وآله.

حضرت به ولی مقتول فرمودند: ای بنده خدا! بین گناه این فرد نسبت به تو و نعمتی که به تو داده، سنجشی انجام ده. پدرت را کشت و او را از لذت دنیا محروم ساخت و تو را از بهره‌مندی از پدر در دنیا محروم کرد. بدان اگر صبر کردی و تسلیم مصیبت

شدی، رفیق پدرت در بهشت خواهی بود. او به تو ایمان آموخت، پس بهشت همیشگی را برای تو واجب ساخت و از عذاب دائم الهی نجات بخشید، پس احسان او به تو به مراتب بیش از جنایت او بر تو است.

از این رو یا او را می‌بخشی، به خاطر احسانی که به تو کرده است، من

«أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ قَالَ
الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَضَّلَ كَافِلَ يَتِيمٍ آلِ
مُحَمَّدٍ الْمُنْقَطِعِ عَنْ مَوَالِيهِ النَّاشِبِ فِي رُتْبَةِ
الْجَهْلِ يُخْرِجُهُ مِنْ جَهْلِهِ وَيُوضِعُ لَهُ مَا اشْتَبَهَ

رَسُولِ اللَّهِ وَ إِمَانَةَ عَلِيٍّ وَ النَّائِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ عَلَيْهِ بَنُ
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهَذَا لَا يَفِي بِدَمِ أَبِيكَ بَلَى وَ اللَّهُ هَذَا يَفِي
بِدَمَاءِ أَهْلِ الْأَرْضِ كُلِّهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْأَخْرِينَ سِوَى
الْأَنْبِيَاءِ وَ النَّائِمَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنْ قِيلُوا فَاتَهُ لَا يَفِي بِدَمَانِهِمْ شَيْءٌ أَنْ
يَفْتَحَ مِنْهُ بِالذَّبِّ قَالَ بَلَى قَالَ عَلَيْهِ بَنُ الْحُسَيْنِ لِلْقَابِلِ أ
فَتَجْعَلُ لِي ثَوَابَ تَلْفِيئِكَ لَهُ حَتَّى أَبْدَلَ لَكَ الذَّبَّ فَتَجْعُو بِهَا
مِنَ الْقَتْلِ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا مُخْتِاجٌ إِلَيْهَا وَ أَنْتَ
مُسْتَفْزِعٌ عَنْهَا فَإِنَّ دُونِي عَظِيمَةٌ وَ ذَنْبِي إِلَى هَذَا السَّمْعُولِ
أَيْضًا بَنِي وَ بَيْنَهُ لَا بَيْنِي وَ بَيْنَ وَلِيِّهِ هَذَا قَالَ عَلَيْهِ بَنُ
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَسْتَسَلِمُ لِلْقَتْلِ أَحِبُّ إِلَيْكَ مِنْ تَزْوَلِكَ عَنْ
هَذَا السَّقْفِينَ قَالَ بَلَى يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ عَلَيْهِ بَنُ الْحُسَيْنِ
لِوَلِيِّ السَّمْعُولِ يَا عَبْدَ اللَّهِ قَابِلُ بَيْنِ ذَنْبِ هَذَا إِلَيْكَ وَ بَيْنِ
نَطْوَلِهِ عَلَيْكَ قَتْلَ أَبَاكَ حَرَمَةٌ لَدَى الدُّنْيَا وَ حَرَمَكَ السَّمْعُ بِهِ
فِيهَا عَلَى أُنْكَ إِنْ صَبَرْتَ وَ سَلَمْتَ فَرَفِيفَتِكَ أَبُوكَ فِي
الْجَنَّةِ وَ لَقْنِكَ الْإِيمَانَ فَأَوْجِبْ لَكَ بِهِ جَنَّةَ اللَّهِ الدَّائِمَةَ وَ
أَنْفَذَكَ مِنْ عَذَابِهِ الدَّائِمِ فَأَخْسَأَهُ إِلَيْكَ أَضْعَافُ أَضْعَافِ
جَنَّتَيْهِ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا أَنْ تَعْفُو عَنْهُ جَزَاءٌ عَلَى إِخْسَائِهِ إِلَيْكَ
لَأَحَدُكُمْ بِحَدِيثٍ مِنْ فَضْلِ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ
الدُّنْيَا بِمَا فِيهَا وَ إِنَّمَا أَنْ تَأْتِي أَنْ تَعْفُو عَنْهُ حَتَّى أَبْدَلَ لَكَ
الذَّبَّ لِمُضَالِحَتِهِ عَلَيْهَا ثُمَّ أَخْبَرْتُهُ بِالْحَدِيثِ دُونَكَ فَلَمَّا
يَقُولُكَ مِنْ ذَلِكَ الْحَدِيثِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا فِيهَا لَوْ
اِخْتَبَرْتَ بِهِ فَقَالَ الْفَتَى يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَدْ عَفَوْتُ عَنْهُ بِمَا
دَبَّ وَ لَا شَيْءَ إِلَّا الْإِيمَانَ وَ حِبَّ اللَّهِ وَ لِمَسْأَلَتِكَ فِي أَمْرِهِ
فَخَدَّنَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِالْحَدِيثِ قَالَ عَلَيْهِ بَنُ الْحُسَيْنِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنْ رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا بُعِثَ إِلَى النَّاسِ كَانَتْ بِالْحَقِّ
بَشِيرًا وَ نَذِيرًا إِلَى آخِرِ مَا سَيَأْتِي فِي أَبْوَابِ مُعْجَزَاتِهِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ

از این روایات، جایگاه آموزش
دین به مردم معلوم می‌گردد. روحانی و
طلبه بودن در موقعیت تبلیغ، ارشاد و
هدایت انسانها، دارای جایگاه بسیار
ارزشمندی است، اگر مبلغ قدر و
منزلت آن را بدانند.

آموزش معارف دین

تاکنون درباره هدایت کافران و
منافقان و نجات شیعیان از دست شبهه
افکنان و دشمنان اهل بیت عصمت و
طهارت علیهم السلام روایات بسیار ارزشمندی
بیان گردید. اکنون درباره بیان معارف و
مسائل دینی برای شیعیان مطالبی را
مطرح خواهیم کرد: پژوهشگاه علوم انسانی و
در روایاتی از ضعفاء شیعه با
عنوان ایتم آل محمد ذکر گردیده که
خود قابل تأمل و توجه است. اگر
انسان به یتیمی رسیدگی کند، برای
خود سعادت می‌داند و همین گونه نیز
هست، و رسیدگی به یتیمان اهل بیت
حتما از سویی تکلیف و از سوی دیگر
سعادت بسیار والا می‌خواهد بود.

عَلَيْهِ عَلَى فَضْلِ كَافِلِ يَتِيمٍ يُطْعِمُهُ وَيَسْقِيهِ
كَفْضِلِ الشَّمْسِ عَلَى الشُّهَاءِ^۱ امام حسن
عسکری علیه السلام از امام حسن مجتبی علیه السلام
نقل می‌کند که فرمودند:

کسی که یتیم آل محمد را تحت
کفالت خود گیرد و کسی را که از امامان
خویش بریده و در جهل خود گرفتار
آمده از نادانی خارج ساخته و شبهات
او را برطرف سازد، فضیلت او نسبت
به کسی که کفالت یتیمی را به عهده
گرفته و او را غذا و آب می‌دهد، مانند
فضیلت خورشید است بر ستاره سُها
(ستاره‌ای که بسیار کم نور است).

نیاز مردم کره زمین به خورشید
نسبت به نیازشان به ستاره سُها قابل
قیاس نیست.

در روایت دیگری نیز امام حسن
عسکری علیه السلام از امام موسی بن
جعفر علیه السلام نقل می‌کنند که:

«فَقِيهٌ وَاحِدٌ يُنْقِذُ يَتِيمًا مِنْ أَيْتَامِنَا
الْمُنْقَطِعِينَ عَنَّا وَعَنْ مُشَاهِدَتِنَا بِتَعْلِيمِ مَا هُوَ
مُحْتَاجٌ إِلَيْهِ أَشَدُّ عَلَى إِبْلِيسَ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ لِأَنَّ

الْعَابِدَ هَمُّهُ ذَاتُ نَفْسِهِ فَقَطَّ وَهَذَا هَمُّهُ مَعَ ذَاتِ
نَفْسِهِ ذَاتُ عِبَادِ اللَّهِ وَإِمَانِهِ لِيُنْقِذَهُمْ مِنْ يَدِ
إِبْلِيسَ وَمَرَدَّتِهِ فَذَلِكَ هُوَ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ
أَلْفِ أَلْفِ عَابِدٍ وَأَلْفِ أَلْفِ عَابِدَةٍ؛^۲ یک فقیه
که یتیمی از ایتما ما را نجات دهد؛
یتیمی که از ما بریده و از زیارت ما
برای فراگیری آنچه که بدان احتیاج
دارد محروم گشته، بر شیطان سخت‌تر
است از هزار عابد؛ برای اینکه همه
همّت عابد، نجات خود اوست؛ اما این
فرد عالم همتش برای نجات خود و
بندگان و کنیزان خداست برای اینکه
آنان را از دست شیطان و لشکر یانش
نجات بخشد. پس این عالم نزد
خداوند از یک میلیون مرد عابد و یک
میلیون زن عابده با فضیلت‌تر است.»

پاداش اخروی تبلیغ

زیباترین حرکت انسانی در
فرهنگ اسلام، راهنمایی و آموزش
معارف دین به مردم می‌باشد. اگر آدمی

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳.

۲. همان، ص ۵.

کمی دقت کند، این امر خود بسیار لذت بخش بوده، آرامش توصیف ناپذیری برای اهل توجه دارد؛ اما اجر و پاداش اخروی این فعالیت انسان ساز در لسان روایات شنیدنی است.

امام موسی بن جعفر علیه السلام از پسرانشان علیهم السلام و آن بزرگواران از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کنند که فرمود:

«مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةَ حَسَنَةَ أَوْ أَمْرٍ بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهَى عَنِ مُنْكَرٍ أَوْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ أَوْ أَسَارَى بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ وَمَنْ أَمَرَ بِسُوءٍ أَوْ دَلَّ عَلَيْهِ أَوْ أَسَارَى بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ، کسی که در امر نیکی کمک کند یا امر به معروف یا نهی از منکر کند و یا بر خیری مردم را راهنمایی و یا بدان اشاره نماید، پس او در آن شریک است و کسی که به بدی راهنمایی و یا اشاره کند، در آن شریک خواهد بود.»

مبلغ گرامی! آنچه را که از خیر و نیکی به مردم می آموزید و آنان انجام می دهند، شما در آن شریک هستید.

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ فَيَكْتُبُ اللَّهُ بِهَا إِيْمَانًا فِي قَلْبِ

آخَرَ فَيَغْفِرُ لَهُمَا جَمِيعًا؛^۲

امام صادق علیه السلام می فرماید:

هر آینه مردی سخنی بیان می کند و خداوند بدینوسیله ایمان در قلب دیگری قرار می دهد، پس خداوند هر دوی آنان را می آمرزد.»

امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

نقل می کند که فرمود:

«يَجِيءُ الرَّجُلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُ مِنْ الْحَسَنَاتِ كَالسَّحَابِ الرُّكَامِ أَوْ كَالجِبَالِ الرَّوَاسِي فَيَقُولُ يَا رَبِّ أَنْتَ لِي هَذَا وَلَمْ أَعْمَلْهَا فَيَقُولُ هَذَا عِلْمُكَ الَّذِي عَلَّمْتَهُ النَّاسَ يَعْمَلُ بِهِ مَنْ بَعْدَكَ؛^۳ مردی در روز قیامت می آید که برای او حسنات [بسیاری است] مانند ابر متراکم و کوههای برافراشته، پس می گوید: خدایا این حسنات از کجاست، در حالی که من آنها را انجام نداده ام؟ پس پاسخ می دهد: این علم توست که به مردم آموختی و آنان بعد

۱. همان، ج ۲، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۷۳.

۳. همان، ص ۱۸.

از تو بدان عمل کردند.»

و در روایت دیگری از پیامبر ﷺ

نقل شده که فرمودند:

«أَلَا أُحَدِّثُكُمْ عَنْ أَقْوَامٍ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ يَغِيظُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْأَنْبِيَاءَ وَالشُّهَدَاءَ بِمَنَازِلِهِمْ مِنَ اللَّهِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ فَقِيلَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ هُمُ الَّذِينَ يُحِبُّونَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ وَيُحِبُّونَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَيَّ قَالَ يَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ وَيَنْهَوْنَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُ اللَّهُ فَإِذَا أَطَاعُوهُمْ أَحَبَّهُمُ اللَّهُ»^۱

آیا خبر ندهم به شما از گروه‌هایی که از انبیاء و شهداء نیستند، ولی در قیامت، انبیا و شهداء آرزوی جایگاه آنان را دارند، به جهت جایگاه آنها نزد خداوند که بر منبرهایی از نور هستند. سؤال شد: ای رسول خدا! اینان کیانند؟ پیامبر فرمودند: اینان بندگان خدا را نزد خداوند مورد علاقه قرار می‌دهند و بندگان خدا را نزد من دوست داشتنی قرار می‌دهند. سپس فرمودند: مردم را به آنچه خدا دوست می‌دارد امر می‌کنند و آنها را از آنچه خداوند ناپسند می‌داند نهی می‌کنند. پس هنگامی که مردم اطاعت کردند

کسی که در پی یافتن دری از علم بیرون رود به هدف آنکه باطلی را به سوی حق کشاند، یا گمراهی را به هدایت وارد کند، این عمل مانند چهل سال عبادت عابد می‌باشد.

خداوند آنها را دوست می‌دارد.»

انشاء الله همگی جایگاه حساس روحانی و عالم دین بودن را شناخته و با تمام وجود و علاقه در جهت نشر معارف دینی و نجات بندگان خدا از ضلالت، و دستگیری از ایتمام آل محمد ﷺ و داشتن آخرتی آباد و سعادت‌مند که مورد علاقه انبیاء و شهداء است موفق باشیم. با تلاش، پیگیری و دلسوزی برای هدایت انسانها و خستگی‌ناپذیری و کوشش، می‌توان به چنین مقصدی نایل شد.